

A Study of the Role of Thinking Rooms in Obama's Decision-Making about the Nuclear Plan of the Islamic Republic of Iran

Reza Haghshenas Gorgabi¹, Hossein Ahmadi², Mohammad Ali Basiri³

¹ Ph.D., Student, Department of International Relations, Shahreza Branch, Islamic Azad University, Shahreza, Iran. reza.haghshenas88@gmail.com

² Assistant Professor, Department of International Relations, Shahreza Branch, Islamic Azad University, Shahreza, Iran (**Corresponding author**). ahmadi@iichs.ir

³ Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, Isfahan University, Isfahan, Iran. Basiri@ase.ui.ac.ir

Abstract

The purpose of the present study is to explain the role of thinking rooms in Obama's decision-making about the Islamic Republic of Iran's nuclear plan. The research method is descriptive-analytic and the results indicated that since thinking rooms as non-official organizations in the USA affect decision-making in that country, we can explain changes in Obama's policies about Iran's nuclear plan with respect to the decision-making theory, especially the organizational model. During the presidency of Obama, his foreign policy in terms of Iran's nuclear plan consisted of 2 stages: the first stage of consensus-building for Iran's maximum sanctions; and the second stage of negotiation and peace with Iran. Changing the government in Iran caused them to be able to dissuade Iran from Uranium enrichment and some other nuclear achievements.

Keywords: Iran, USA, Obama, Nuclear Plan, JCPA, Thinking Room.

Cite this article: Haghshenas Gorgabi, R., Ahmadi, H. & Basiri, M.A. (2023). A Study of the Role of Thinking Rooms in Obama's Decision-Making about the Nuclear Plan of the Islamic Republic of Iran. *Iranian Political Research*, 10(2), 7-28. <https://doi.org/10.22034/sej.2022.1956083.1479>

Received: 2020/05/26 ; **Received in revised form:** 2020/06/14 ; **Accepted:** 2020/06/27 ; **Published online:** 2020/07/06

© The Author(s).

Publisher: Qom Islamic Azad University



تبیین نقش اتاق‌های فکر در تصمیم‌گیری اوباما در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

رضا حق‌شناس گرگابی^۱، حسین احمدی^۲، محمدعلی بصیری^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه روابط بین‌الملل، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران.

reza.haghsheenas88@gmail.com

^۲ استادیار، گروه روابط بین‌الملل، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران (نویسنده مسئول).

ahmadi@iichs.ir

^۳ دانشیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. Basiri@ase.ui.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین نقش اتاق‌های فکر در تصمیم‌گیری اوباما در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد با توجه به اینکه در آمریکا اتاق فکر به عنوان یک سازمان غیررسمی بر روی تصمیمات این کشور تأثیر می‌گذارد، می‌توان از نظریه تصمیم‌گیری و به‌خصوص مدل سازمانی، این تغییر سیاست‌های اوباما در قبال برنامه هسته‌ای ایران را تبیین کرد. در دوران ریاست جمهوری اوباما سیاست خارجی وی در قبال برنامه هسته‌ای ایران شامل دو دوره می‌شود: دوره اول اجماع‌سازی در جهت تحریم حداکثری است، دوره دوم همراه با مذاکره و مصالحه با ایران بود. تغییر دولت در ایران باعث تقویت آن شد تا از این طریق بتوانند با مشوق‌هایی ایران را از دستیابی به غنی‌سازی بیشتر اورانیوم بازداشته و آن را از برخی دستاوردهای هسته‌ای منصرف کنند.

کلیدواژه‌ها: ایران، آمریکا، اوباما، برنامه هسته‌ای، برجام، اتاق فکر.

استاد به این مقاله: حق‌شناس گرگابی، رضا؛ احمدی، حسین؛ بصیری، محمدعلی (۱۴۰۲). تبیین نقش اتاق‌های فکر در تصمیم‌گیری اوباما در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران. *سیاست‌پژوهی ایرانی*، ۱۰(۲)، ص ۷-۲۸.

<https://doi.org/10.22034/sej.2022.1956083.1479>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۰۳/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۷؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۳۹۹/۰۴/۱۶

© نویسنده‌گان. ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم



۱. مقدمه

اتاق‌های فکر در تحول سیاست خارجی، شکل‌دهی و تنظیم موضوعات استراتژیک در عرصه سیاست و سیاست‌گذاری در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی ایالات متحده آمریکا نقش حیاتی ایفاء می‌کنند. کارکرد آن‌ها در تحلیل، مشاوره و خط‌مشی‌گذاری مستقل از احزاب سیاسی و دولت‌ها است. کارکرد ابتدایی اتاق‌های فکر به عنوان نهادهای جامعه مدنی، فهم و درک نگرانی‌های ملی و اجتماعی است. موضوعات مربوط به ایران، یکی از مسائل مهم مورد بررسی و پژوهش در اتاق‌های فکر مستقر در ایالات متحده می‌باشد. بررسی سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران نشان می‌دهد که تغذیه فکری که باعث تصمیم‌گیری دستگاه سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران می‌شود، از تحریم‌ها گرفته تا مذاکرات، از اتاق‌های فکر آمریکا نشأت می‌گیرد و اتاق‌های فکر در جهت‌دهی به دولت‌مردان آمریکا در تصمیم‌گیری سیاست خارجی کاخ سفید به خصوص شخص اوباما در قبال ایران بسیار تأثیرگذار بوده است. بررسی رویکردها و نحوه شکل‌گیری این طرح‌ها در قبال برنامه هسته‌ای ایران می‌تواند منجر به آگاهی‌سازی و درپی آن اتخاذ شیوه‌های مقابله‌ای هوشمندانه و مؤثر شود. گسترش طرح‌ها و پروژه‌های آمریکایی در مورد ایران پس از انقلاب اسلامی و تشدید آن‌ها در سال‌های اخیر، اهمیت روشنگری در خصوص رویکردها، طرح‌ها و پروژه‌های آمریکایی، در مراکز و اندیشکده‌های تصمیم‌ساز و صاحب نفوذ در سیاست خارجی را چندین برابر کرده است.

برخی از اندیشمندان اتاق‌های فکر معتقدند که باید روابط با ایران گسترش یابد. دسته‌ای بر این باورند که باید محدودیت‌های بیشتری علیه ایران ایجاد شود و گروه سوم بر ضرورت رویارویی و مقابله با ایران تأکید دارند. اهمیت و نقش اتاق‌های فکر در جهت‌دهی به تصمیم‌گیری‌های دستگاه سیاست خارجی آمریکا در دوران اوباما از آن جهت حائز اهمیت است که در دوران وی مسیر روابط ایران و آمریکا از تقابل، به سمت تنش‌زدایی تغییر یافت.

استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری، درک پژوهش مدنظر را ساده‌تر خواهد کرد. به نظر می‌رسد برای تحلیل موضوعات مرتبط با اتاق‌های فکر، مدل‌های تصمیم‌گیری مناسب باشد. در تحقیق حاضر تصمیم‌گیری اوباما نقش متغیر وابسته و اتاق‌های فکر نقش متغیر مستقل را دارد.

۲. پیشینه پژوهش

صالحی (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «نگاهی به ساختار و فرایند تصمیم‌سازی در نظام سیاسی آمریکا»، روند و عناصر اصلی تأثیرگذار در ساختار تصمیم‌سازی این کشور را که در دو

دسته کلی رسمی و غیررسمی تقسیم‌بندی می‌شوند، شناسایی و مورد بحث قرار داده است. در این پژوهش گروه‌های ذی‌نفوذ و لابی‌ها، مجتمع‌های نظامی- صنعتی، رسانه‌های جمعی و افکار عمومی، اتاق‌های فکر و عناصر خارجی به عنوان مهم‌ترین عناصر غیررسمی تأثیرگذار در روند تصمیم‌سازی در ایالات متحده مورد بحث قرار گرفته‌اند. همچنین تلاش شده است تا براساس مدل‌های مطرح تصمیم‌سازی، مدلی که تطابق بیشتری با سازوکار تصمیم‌سازی در ایالات متحده دارد، شناسایی شده و براساس واقعیات ایالات متحده تشریح شود.

لب‌خنده و کریمی‌فرد (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «کارکرد مؤسسات مطالعاتی در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران»، به بررسی تأثیر اتاق‌های فکر بر تصمیم‌سازی در حوزه‌های مختلف سیاسی و امنیتی پرداخته است. در این پژوهش، ضمن بررسی جایگاه و کارکرد مؤسسات مطالعاتی و نقش آنها در تصمیم‌سازی و اتخاذ سیاست‌های ایالات متحده آمریکا، سناریوهای مختلف (سازش، جنگ، تغییر از درون، بازدارندگی) در قبال ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

نگرل کسکن و هالپرن^۱ (۲۰۰۵)، در پژوهشی به بررسی نقش اتاق‌های فکر در توسعه سیاست و برنامه‌ریزی عمومی پرداخته و نشان دادند که سیاست خارجی آمریکا پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تغییر چشمگیری کرده و رویکرد آن یکجانبه‌گرایانه شده است، اما در تلاش است تا حمایت جامعه بین‌المللی را به دست آورد. همچنین

چانس^۲ (۲۰۱۶)، در پژوهشی به بررسی نقش و تأثیر قابل توجه اتاق‌های فکر در سیاست‌گذاری آمریکا پرداخته است. نویسنده معتقد است که موفقیت اتاق‌های فکر در آمریکا ناشی از ماهیت خاص دولت ایالات متحده و فرهنگ سیاسی آمریکا است.

۳. مبانی نظری

روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی آمریکا بسیار پیچیده است. علت این است که کشور تازه تأسیس آمریکا به شکلی طرح‌ریزی شد که دولتی قوی و غیرمتمرکز داشته باشد، تا از این طریق از دیکتاتوری دولت بر مردم جلوگیری شود. در نتیجه، سیاست‌گذاری خارجی ایالات متحده یک نظام پیچیده اجتماعی- سیاسی است که افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها را دربرمی‌گیرد و این تصمیمات به گونه‌ای شکل می‌گیرند که تحت تأثیر هر دو نهاد رسمی و غیررسمی قرار دارند. نهادهای

1. Keskin & Halpern

2. Chance

سیاست‌گذار رسمی و تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایالات متحده شامل قوه مجریه، کنگره و بوروکراسی (که به عنوان یک واحد عمل می‌کنند) می‌شوند و سیاست‌گذاران غیررسمی نیز گروه‌های ذی‌نفوذ متعددی را در برمی‌گیرند. عامل دیگر این پیچیدگی در عرصه سیاست خارجی آمریکا، تنوع و تکثر تعداد بازیگران سازمانی (نهادی) و شخصی است.

در این رابطه گراهام آلیسون^۱ در نظریه تصمیم‌گیری خود دو مدل «روند سازمانی» و «سیاست دیوانسالاری» را برای تعدیل عقلانیت مطلق‌گرایانه اسنایدر^۲ ارائه می‌کند. در مدل روند سازمانی آلیسون، تصمیم‌گیری بر این فرض استوار است که حکومت یک کشور مجموعه‌ای یکپارچه نیست؛ برعکس، حکومت متشکل از هرمی از سازمان‌های مختلف تصمیم‌گیری است. بنابراین، رفتار خارجی حکومت در پاسخ به نیاز منافع ملی ناگزیر از کانال این سازمان‌های مسئول به پاسخگویی می‌گذرد.

آلیسون ادعا می‌کند که پیامد بازی‌های سیاسی، برآیند مذاکره میان افراد تصمیم‌گیرنده چنان است که هرکدام از انسان‌های تصمیم‌گیر در سیاست خارجی خواهان دستیابی به هدفی خاص و یا تعبیری خاص از منافع ملی هستند. از این رو، آلیسون نتیجه می‌گیرد که تصمیمات و اقدامات سیاست خارجی نتیجه فراگردهای سیاسی مذاکره و بازی قدرت موجود در سازمان‌های تصمیم‌گیرنده است. بنابراین، اتاق‌های فکر نقش فعالی در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی ایفا می‌کنند (سیف‌زاده، ۱۳۷۵، ص ۱۷۴-۱۷۵).

مدل سازمانی جایگاه محوری سازمان در تصمیم‌سازی را مدنظر داشته و بر اهمیت منافع حیاتی سازمان، رویه‌های عملیاتی استاندارد، و توانایی‌ها تأکید دارد. این مدل تأکید می‌نماید که چگونه سازمان مشکلات را می‌بیند، کسب اطلاعات می‌کند، بدیل‌های موجود را انتخاب نموده، هزینه‌ها و سودها را بررسی کرده و دست به انتخاب می‌زند. در این مدل، خط‌مشی‌ها و تصمیمات، غالباً با عنایت به قواعد رویه‌ای و ساختار ویژه سازمان توضیح داده می‌شوند. این مدل، معمولاً به توزیع مسئولیت‌ها میان زیرمجموعه‌های سازمان، فعالیت کمیته‌ها و گروه هماهنگ‌کننده تخصصی، نشست‌های تصمیم‌گیری و غیره توجه دارد (صالحی، ۱۳۹۲، ص ۶۷). برای تحلیل موضوعات مرتبط با اتاق‌های فکر، مدل‌های تصمیم‌گیری مناسب و مدل یا روند سازمانی برای این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است.

-
1. Graham Tillet Allison
 2. Richard Snyder

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی آمریکا

روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی آمریکا بسیار پیچیده است. علت این است که کشور تازه تأسیس آمریکا به شکلی طرح‌ریزی شد که دولتی قوی و غیرمتمرکز داشته باشد تا از این طریق از دیکتاتوری دولت بر مردم جلوگیری شود. در نتیجه، سیاست‌گذاری خارجی ایالات متحده یک نظام پیچیده اجتماعی - سیاسی است که افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها را دربرمی‌گیرد و این تصمیمات به گونه‌ای شکل می‌گیرند که تحت تأثیر هر دو نهاد رسمی و غیررسمی قرار دارند. نهادهای سیاست‌گذار رسمی و تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایالات متحده شامل قوه مجریه، کنگره و بوروکراسی (که به عنوان یک واحد عمل می‌کنند) می‌شوند و سیاست‌گذاران غیررسمی نیز گروه‌های ذی‌نفوذ متعددی را دربرمی‌گیرند. عامل دیگر این پیچیدگی در عرصه سیاست خارجی آمریکا، تنوع و تکرر تعداد بازیگران سازمانی (نهادی) و شخصی است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۰). بازیگران عمده در قوه مجریه عبارتند از:

- سازمان‌های تأثیرگذار شامل: دفتر رئیس‌جمهور، کاخ سفید، شورای امنیت ملی، وزارت خارجه، وزارت دفاع، وزارت امنیت، سیا و NIS، فدرال رزرو، خزانه‌داری، وزارت بازرگانی، وزارت دادگستری (دادستانی کل)، اف. بی. آی.

- اشخاص شامل: رئیس‌جمهور، وزیر خارجه، وزیر دفاع، مشاور امنیت ملی، رئیس سیا، رئیس ستاد ارتش، رئیس کارکنان کاخ سفید، سفرای آمریکا در کشورهای مهم (همان).

۴-۲. مدل غالب تصمیم‌سازی در ایالات متحده آمریکا

در ایالات متحده این مسئولیت تصمیم‌سازی برعهده قوای سه‌گانه قرار داده شده است. اما در عمل بازیگران متعددی در این فرایند دخیل هستند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۵). این بازیگران در دو دسته کلی قرار می‌گیرند:

الف) بازیگران رسمی، یعنی نهادها و افرادی که براساس قانون اساسی فدرال یا ایالتی، صلاحیت تصمیم‌سازی را در حوزه‌های ویژه‌ای دارند،

ب) بازیگران غیررسمی، یعنی نهادها و افرادی که فعالیت آن‌ها براساس قانون اساسی فدرال یا ایالتی به رسمیت شناخته شده است، اما رسماً مسئولیتی در زمینه تصمیم‌سازی ندارند، در عین حال بر روند تصمیم‌سازی تأثیر می‌گذارند.

به طور کلی می‌توان گفت در ایالات متحده روندهای سازمانی بسیار حائز اهمیت هستند و

افراد با توجه به منافع سازمان، مشکلات را مدنظر داشته و با بررسی بدیل‌های موجود، در جهت ارتقای منافع سازمان (که در اینجا می‌تواند دولت ایالات متحده باشد) دست به تصمیم‌گیری می‌زنند؛ و باید از سوی دیگر، منافع گروه‌های ذی‌نفوذ قدرتمند در ایالات متحده را نیز در نظر گرفت. اغلب موضوعاتی که در دستور کار قرار می‌گیرند، با منافع گروه‌های مشخصی چه در غالب گروه فشار و لابی و چه در غالب مجتمعاتی نظامی، صنعتی و... پیوند دارند (صالحی، ۱۳۹۲، ص ۶۸-۷۰). بنابراین، مدل سیاسی تصمیم‌سازی نیز در نظر گرفته می‌شود.

۴-۳. نقش رئیس‌جمهور و قوه مجریه در سیاست خارجی آمریکا

بسیاری از محققان، قوه مجریه را مهم‌ترین عامل شکل‌دهی به سیاست خارجی آمریکا می‌دانند. به عقیده اسمیت^۱، سیاست خارجی بیشتر توسط ریاست‌جمهوری کنترل می‌شود تا قوه مقننه یا قضائیه. رئیس قوه مجریه یا همان رئیس‌جمهور، به عنوان رئیس کشور و دولت در نظر گرفته می‌شود. وی فرمانده کل نیروهای مسلح آمریکا نیز هست. رئیس‌جمهور ایالات متحده می‌تواند از طریق واکنش نسبت به وقایع خارجی، پیشنهاد طرح، مذاکره معاهدات بین‌المللی، اجرای سیاست‌ها و اعمال مستقلانه، سیاست خارجی کشور را شکل دهد. رئیس‌جمهور همچنین در مورد به رسمیت شناختن یا نشناختن کشورها، حضور در کنفرانس‌های بین‌المللی و ایجاد پایگاه‌های نظامی در سیاست خارجی تصمیم‌گیری می‌کند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۶). اگرچه در امر تصویب معاهدات مورد نظر رئیس‌جمهور، لازم است دوسوم نمایندگان سنا رأی موافق دهند، اما وی می‌تواند بدون نیاز به موافقت سنا با کشورهای خارجی توافقات رسمی انجام دهد. رئیس‌جمهور طبق قانون اساسی نمی‌تواند به صورت مستقیم قانون وضع کند، اما می‌تواند بر روند وضع قوانین تأثیرگذار باشد. او می‌تواند با ارائه لوایح پیشنهادی خود به کنگره، آغازگر این روند باشد و در کنگره از حمایت حزب سیاسی خود برخوردار است تا بتواند قوانین مورد نظرش را تصویب کند.

به جز شخص رئیس‌جمهور، سایر نهادهای مهم زیرمجموعه قوه مجریه که بر تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی مؤثرند، عبارتند از: وزارت امور خارجه، وزارت دفاع و شورای امنیت ملی^۲. وزارت امور خارجه در حقیقت مهم‌ترین نهاد قوه مجریه در زمینه سیاست خارجی است و در رأس

1. Smith

2. National Security Council

آن وزیر امور خارجه قرار دارد که توسط رئیس‌جمهور منصوب می‌شود.

شورای امنیت ملی آمریکا نیز نهادی به ریاست شخص رئیس‌جمهور است که فضایی را برای به بحث گذاشتن و هماهنگی سیاست‌های مربوط به امنیت ملی و امور خارجی فراهم می‌آورد. سایر اعضای این شورا عبارتند از: معاون رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه، وزیر دارایی، وزیر دفاع و معاون رئیس‌جمهور در امور امنیت ملی.

بخش زیادی از چگونگی تصمیم‌گیری در نهادهای دولتی، علاوه بر مسائل ساختاری، به شخصیت فرد تصمیم‌گیرنده بازمی‌گردد. در نظام سیاسی آمریکا با توجه به شورایی بودن سایر ساختارهای سیاسی، رئیس‌جمهور تنها شخصی است که می‌تواند نقش رهبر را در جامعه ایفا کند؛ در نتیجه، اینکه این فرد چه شخصیتی دارد، چگونه با مسائل و چالش‌ها برخورد می‌کند، کدام مشاوران را برمی‌گزیند و چگونه با آن‌ها تعامل می‌کند و چه روشی برای رسیدن به تصمیم نهایی دارد، همگی بر روند تصمیم‌گیری سیاست خارجی آمریکا مؤثرند.

محققان، تحقیقات زیادی در مورد تأثیر شخصیت و جهان‌بینی رؤسای جمهور آمریکا را به تیپ‌شناسی چون جنگ‌جوها (مجاهدان)^۱، مصلحت‌گرایان^۲ یا ملاحظه‌گران قیود^۳ و چالش‌کنندگان قیود^۴ تقسیم‌بندی کرده‌اند. البته، کلر^۵ معترف است که این تقسیم‌بندی‌ها مطلق نبوده و عموم افراد در جایی بینابین دو انتهای طیف قرار دارند. کلر تقسیم‌بندی خود را در زمینه قیود و فشارهای داخلی مطرح می‌کند و معتقد است که شخصیت‌های ملاحظه‌گر، سعی در جلب رضایت بازیگران داخلی (همچون کنگره، افراد ذی‌نفوذ و...) پیش از اتخاذ تصمیمات مهم سیاست خارجی دارند (او تصمیم‌گیری کندی در مورد ویتنام در سال ۱۹۶۱ را به عنوان مثال مطرح می‌کند) و در عوض چالش‌کنندگان، بهای چندانی به نظارت بازیگران داخلی نداده و سعی در اجرای سیاست‌های خود که نشأت گرفته از عقاید و جهان‌بینی آنهاست، دارند (مداخله ریگان در گرانادا در سال ۱۹۸۳). برخی از محققان معتقدند که در آمریکا «دو ریاست جمهوری» وجود دارد، بدین معنا که رئیس‌جمهور صاحب نفوذ و تأثیر بیشتری در حیطه سیاست خارجی در مقایسه با امور داخلی است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۶-۱۸).

1. Crusaders
2. Pragmatics
3. Constraint Respectors
4. Constrain Challengers
5. Keller

رئیس جمهور ایالات متحده، صرف‌نظر از اینکه به کدام حزب تعلق دارد، نماینده کل ملت است. در این حالت کلینتون به همان اندازه نماینده جامعه آمریکاست که ریگان^۱ یا فرانکلین روزولت^۲؛ بدون توجه به ابعاد شخصی، اخلاقی، یا وابستگی حزبی آن‌ها. در این مسئولیت رئیس جمهور سفرای کشورهای خارجی را به حضور می‌پذیرد و با رؤسای جمهور و پادشاهان ملاقات می‌کند (امجد، ۱۳۹۴، ص ۱۶۸-۱۶۹).

در آمریکا، رئیس جمهور از اختیارات بسیار گسترده‌ای برخوردار است. در آنجا، اعضا هیئت دولت، صرفاً مشاوران رئیس جمهور هستند و نقش قابل ملاحظه‌ای در سیاست خارجی دارند. کولونل هاوس^۳، هاری هاپکینز^۴ و کسینجر^۵، بدون شک در دوران نفوذشان نقش مرکزی را در راستای تعریف منافع ملی آمریکا و تدوین سیاست خارجی بازی کرده‌اند.

رئیس جمهور به عنوان عالی‌ترین مقام قوه مجریه، کلیه روابط خارجی ایالات متحده آمریکا و دکترین سیاسی، نظامی و امنیتی را پس از طراحی‌های متفاوت از سوی نهادهای مشورتی و کارشناسی متعدد مورد بررسی قرار داده و با تصویب وی، تحت نظارت و مدیریت خود به اجرا می‌گذارد. بنابراین، علاوه بر ویژگی‌های فردی، ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و سوابق کاری تصمیم‌گیرندگان اصلی، متغیر نقش نیز اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در فرایند تصمیم‌گیری برخوردار است. از جمله مواردی که رئیس جمهور در زمینه روابط خارجی به آن نیاز دارد، تعیین سفرای آمریکا در خارج و امضای موافقتنامه با دیگر کشورها است (سازمند، ۱۳۹۰، ص ۲۷-۲۸).

۴-۴. اتاق فکر

اتاق‌های فکر به عنوان پلی بین دانش و قدرت، سازوکار مناسبی برای به‌کارگیری فکر، ایده، علم و دانش در راستای خدمت به قدرت هستند و سیاستگذاران را از نیروی دانش و خرد خود منتفع می‌گردانند. به هر حال اتاق‌های فکر با مأموریت اصلی پشتیبانی فکری و مشاوره‌ای از سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان حکومتی و با هدف سیاست‌پژوهی متولد شدند. بنابراین، اتاق‌های فکر، مؤسساتی هستند که به ارائه مشاوره و ایده برای مسائل ملی، سیاسی،

1. Reagan
2. Franklin Delano Roosevelt
3. Colonel House
4. Harry Hopkins
5. Kissinger

اجتماعی و اقتصادی می‌پردازند. به گمان گروهی دیگر، اتاق‌های فکر از گروهی بین‌رشته‌ای از مشاوران متخصص تشکیل می‌شوند. در مجموع اتاق‌های فکر، مراکزی هستند که تحقیقات کاربردی انجام می‌دهند.

دامنه و گستره عملکرد اتاق‌های فکر می‌تواند در برگیرنده موضوع‌های متعدد و متنوعی بوده و فهرست بلندی را بر آن تنظیم کرد. به منظور رسیدن به نتیجه‌ای مشخص، به نظر می‌رسد دسته‌بندی این کارکردها راه‌حل مناسبی است. به طور کلی این موسسات دارای سه وظیفه عمده می‌باشند:

۱. وظیفه نخست، تشخیص و تعریف مسائل، روندها، ارزیابی امور رخ داده و یا در شرف وقوع، ارائه تحلیل در مورد پدیده‌ها و امور مورد نظر سیاستمداران می‌باشد.

۲. کارویژه دوم، پردازش ایده‌هایی در مورد مسائل مبتلابه و مورد نیاز و تبدیل آن‌ها به سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی و مطلوب است.

۳. کارکرد سوم، نقش‌آفرینی در مقام یک نهاد ارزیابی‌کننده و نقاد سیاست‌های اعلامی و اجرایی دولت است (آقاجانی و عسگری، ۱۳۹۰، ص ۱۴۵).

۴-۵. نقش و کارکرد اتاق‌های فکر در سیاست خارجی آمریکا

مهم‌ترین تأثیر اتاق‌های فکر، تولید اندیشه و تفکر جدید است. این کارکرد می‌تواند تصور تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی نسبت به مسائل جهانی و چگونگی پاسخگویی آن‌ها به این مسائل را تغییر دهد. تولیدات فکر اتاق‌های فکر می‌تواند مفاهیم مربوط به منافع ملی را تغییر دهد و بر رتبه‌بندی اولویت‌های سیاست خارجی یک کشور تأثیر گذارد.

این تولیدات همچنین می‌تواند نقشه راه اقدام دولتمردان در حوزه سیاست خارجی باشد، البته طبیعی است جلب توجه آن دسته از سیاستمداران پرکاری که منابع اطلاعاتی فراوانی دارند، کار آسانی نیست. برای نیل به این هدف، اتاق‌های فکر باید از کانال‌های متعددی برای عرضه هرچه بهتر تولیدات فکری خود استفاده کنند. این مراکز تلاش می‌کنند از طریق انتشار مقاله، کتاب، گزارش، تدارک برنامه‌های تلویزیونی، مصاحبه‌های مطبوعاتی و فعالیت‌های اینترنتی در بازار اطلاعات، جایگاه مناسبی برای خود بیابند. بررسی برهه‌های تاریخی معین نشان‌دهنده فرصت‌های استثنایی است که به تزریق تفکرات جدید به عرصه سیاست خارجی منجر شده است. وقایع جنگ جهانی دوم یکی از این برهه‌های تاریخی است. پس از پایان جنگ، شورای روابط خارجی آمریکا^۱

مطالعات وسیعی را در زمینه جنگ و صلح آغاز کرد. این مطالعات به دنبال شناسایی بنیان‌ها و بنیادهای مطلوب صلح پس از جنگ بود.

فعالان و مشارکت‌کنندگان در این تلاش، در نهایت ۶۸۲ گزارش و یادداشت برای وزارت خارجه درباره موضوعاتی شامل اشغال آلمان تا تأسیس سازمان ملل تهیه کردند. دو سال پس از پایان جنگ، فارین فرز^۱، نشریه این شورا، مقاله‌ای درباره منابع رفتار شوروی منتشر کرد. این مقاله که توسط جورج کنان^۲، دیپلمات آمریکایی نوشته شده بود، در واقع بنیادهای فکری سیاست، سد نفوذ را که آمریکا برای چهار دهه آینده باید آن را تعقیب می‌کرد، فراهم آورد. در آخرین دهه قرن بیستم نیز فارین افرز نظریه ساموئل هانتینگتون^۳، دانشمند سیاسی هاروارد درباره برخورد تمدن‌ها را منتشر کرد. این نظریه به مباحث مربوط به سیاست خارجی آمریکا در دوره پس از جنگ سرد کمک فراوانی کرد. پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ مطالعات انجام شده از سوی مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی آمریکا^۴، بنیاد هریتیج^۵ و موسسه بروکینگز^۶ به مباحث درون حکومتی آمریکا درباره استراتژی‌های مناسب و نهادهای لازم برای مقابله با تهدیدات تروریستی در داخل و خارج کمک کرد. به این ترتیب، اتاق‌های فکر از طریق کاوش در مسائل سیاست جهانی و در نتیجه ارتقای سطح شناخت و تولید اندیشه‌های جدید درباره این مسائل، قادر به تاثیرگذاری بر فرآیند تدوین سیاست خارجی هستند. البته این مسأله به میزان تمایل تصمیم‌گیرندگان سیاسی یک کشور در بهره‌گیری از تولیدات فکری اتاق‌های فکر بستگی دارد.

اتاق‌های فکر علاوه بر تولید اندیشه‌های جدید برای مقامات ارشد حکومتی، زنجیره دائمی از متخصصان را برای خدمت در دولت و مراکز اداری پارلمان تأمین می‌کنند. در کشورهایی نظیر آمریکا، فرانسه یا ژاپن حکومت‌های جدید می‌توانند به تداوم چنین کارکردی که به وسیله سرویس‌های مدنی بزرگ و حرفه‌ای فراهم می‌شود، تکیه کنند. در آمریکا هر زمان که انتقال قدرت صورت می‌گیرد، صدها نفر از نیروهای میانی و ارشد بخش‌های اجرایی تغییر می‌کنند. اتاق‌های فکر به رئیس‌جمهور و وزرای جدید کمک می‌کنند تا خلأ انسانی به وجود آمده را پر

-
1. Foreign Affairs
 2. Kennan, George
 3. Samuel P. Huntington
 4. Center for Strategic and International Studies
 5. The Heritage Foundation
 6. Brookings Institution

کنند. جیمی کارتر^۱ پس از انتخاب شدن به عنوان رئیس جمهور آمریکا در سال ۱۹۷۶، دولت خود را با تعدادی از نیروهای موسسه بروکینگز و شورای روابط خارجی تقویت کرد. چهار سال بعد رونالد ریگان^۲ برای تأمین نیروی کارشناسی خود به دیگر اتاق‌های فکر مراجعه کرد. وی در دوران ریاست جمهوری خود ۱۵۰ نفر را از بنیاد هریتیج، موسسه هوور^۳ و موسسه اقدام آمریکا به خدمت گرفت. دولت بوش پسر^۴ نیز برای جذب نیرو در رده‌های بالاتر تشکیلات سیاست خارجی خود از الگوی مشابهی پیروی کرده است؛ برای مثال در وزارت امور خارجه، مقامات ارشدی که سابقه فعالیت در اتاق‌های فکر را داشته‌اند، عبارتند از: پائولا دبریانسکی^۵ معاون وزیر در امور جهانی و معاون ارشد سابق رئیس‌جمهور و مدیر سابق اداره شورای روابط خارجی واشنگتن، جان بولتون^۶ معاون وزیر خارجه در امور کنترل تسلیحات و امنیت بین‌الملل، جیمز کلی^۷ دستیار وزیر خارجه در امور شرق آسیا و اقیانوسیه، کیم هولمز^۸ دستیار وزیر در امور سازمان‌های بین‌المللی (ابلسون، ۲۰۰۶، ص ۷۳). به این ترتیب، اتاق‌های فکر از طریق تأمین بخشی از نیروی انسانی عالی رتبه دستگاه وزارت خارجه و دیگر نهادهای مرتبط با حوزه سیاست خارجی می‌توانند بر روند شکل‌گیری و اجرای تصمیمات مربوط به این حوزه تأثیر گذارند.

۴-۶. اواما و ایران

خط‌مشی‌ء اواما نسبت به ایران را می‌توان در سه خط به طور همزمان دنبال کرد: مهار هوشمند، مذاکره مستقیم و پیشبرد تغییر سیاسی از درون (حسینی‌متین، ۱۳۹۱، ص ۲۰۵). شیوه غالب دولت اواما علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران را می‌توان ائتلاف‌سازی به منظور اعمال موفق دیپلماسی فشار نامید (عبداله و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۱۳). وی [اواما] نوشت: «اگرچه استفاده از نیروی نظامی نباید از دستور کار خارج شود، اما نباید از مذاکره مستقیم با ایران خودداری کرد. هدف دیپلماسی ما باید افزایش هزینه برای ایران در پیگیری برنامه اتمی از طریق کاربرد همزمان

-
1. James Earl Carter
 2. Ronald Wilson Reagan
 3. Hoover Institution
 4. George Walker Bush
 5. Paula Debriansky
 6. John Robert Bolton
 7. James Kelly
 8. Kim R. Holmes

تحریم‌ها و فشارهای فزاینده از سوی شرکای عمده تجاری آن کشور باشد. جهان باید برای توقف برنامه غنی‌سازی اورانیوم ایران و جلوگیری از دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای تلاش کند. در مقابل، اوباما روابط دیپلماتیک با ایران، همکاری اقتصادی و تضمین‌های امنیتی و خروج ایده تغییر رژیم ایران از دستور کار سیاست خارجی آمریکا را ارائه می‌کند».

روی کار آمدن اوباما با شعار تغییر، انتظار برای تغییر راهبردها و روش‌های سابق آمریکا، به یک مطالبه برای مردم خاورمیانه تبدیل گردید و ایران هم از این پدیده مستثنی نبود. بسیاری از ایرانیان که نگران یک تهاجم نظامی از سوی جرج بوش در دوران حاکمیت نومحافظه‌کاران بر کاخ سفید بودند، حال احساس می‌کردند که با روی کار آمدن چهره‌ای سیاه در کاخ سفید، این خطر برطرف شده و ابرهای تیره تهاجم نظامی احتمالی از فراز خاک ایران دور شده و حتی چشم‌اندازی از تغییر احتمالی سیاست‌های آمریکا را شاهد می‌باشند (ماه‌پیشانیان، ۱۳۹۰، ص ۲۵۲).

راهبرد دولت اوباما «قدرت هوشمند^۱» بود که بنای سیاست خارجی خود را در قبال ایران بر آن استوار ساخت. قدرت هوشمند بیشتر بر مبنای رویکرد نتولیرالی قابل تبیین است (پورحسن و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۳۴۲).

بر مبنای رهیافت نهادگرایی نتولیرالی می‌توان گفت، اوباما با استفاده از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی، بویژه شورای امنیت سازمان ملل و همچنین کاربست دیپلماسی، توانست همکاری سایر قدرت‌های جهانی برای ترغیب آن‌ها به حرکت در مسیر فشار و تعامل با ایران را براساس منافع متقابل ناشی از همکاری جلب نماید و با اعمال تحریم‌های شدید اقتصادی، اجماعی بین‌المللی علیه ایران تشکیل داد؛ به نحوی که قدرت‌های بزرگ و کشورهای صنعتی به ویژه واردکنندگان نفت از ایران - که شریان حیاتی اقتصاد این کشور را تشکیل می‌دهد - به اردوگاه ایالات متحده پیوستند (طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۰۶).

۴-۶-۱. اوباما و شکل‌گیری برجام

کشمکش‌هایی که موضوع هسته‌ای برای ایران به بار آورد و همچنین فشارهایی که چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ اقتصادی (که نتیجه تحریم‌های بین‌المللی بود) وارد شد، باعث گردید سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایران به سمت انزوا پیش برود. در نتیجه فشارهای صورت گرفته از جانب غرب، در ایران سایه امنیتی بر کشور حاکم شد و از قدرت مانور کشور کاست.

لذا، برای حل این مشکل، دولت‌های روی کار آمده در ایران با رویکرد متفاوتی درصدد حل این مسئله برآمدند. در زمان دولت آقای خاتمی مذاکرات برای رفع این تنش شروع شد و بعد دولت آقای احمدی‌نژاد و در نهایت، آقای روحانی رویکردی تازه نسبت به حل این مشکل در پیش گرفت (رستمی و نادری، ۱۳۹۵، ص ۱۸۸). مذاکرات بین ایران و ۵+۱ همزمان با توافق در نوامبر ۲۰۱۳ آغاز شد که کشورهای غربی از یک توافق اولیه با ایران خبر دادند و با محدود کردن فعالیت‌های هسته‌ای ایران، برخی از دارایی‌های بلوکه شده ایران را آزاد کردند. لذا، این زمینه یک توافق جامع بین ایران و ۵+۱ در سال ۲۰۱۵ را ایجاد کرد. این توافق رفع محدودیت‌های طولانی مدت و همچنین تحریم‌های موجود علیه ایران را تشریح نمود و سپس شورای امنیت آن را الزام‌آور کرد (رستمی و نادری، ۱۳۹۵، ص ۱۸۹).

همچنین تیم مذاکره‌کننده ایران در فی مابین مذاکره، با استفاده از یک دیپلماسی منطقه‌ای و بین‌المللی، از بار امنیتی برنامه هسته‌ای کشور کاست و آن را به مسئله‌ای که در چارچوب مذاکره قابل حل است، تبدیل کرد که در نتیجه آن برنامه هسته‌ای ایران از فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد خارج شد. در این مذاکرات تحریم‌های موجود علیه ایران جزء مهم‌ترین مباحث بود و در روند مذاکرات منتهی به برجام از آنجایی که نماینده دولت آمریکا در جلسه حضور داشت، از بار یکجانبه‌گرایی این کشور کاسته شد و به طرف چند جانبه‌گرایی سوق پیدا کرد (خلیلی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۹-۱۴۵). بعد از مذاکرات پیچیده‌ای که ایران با این کشورها داشت، سرانجام متن برجام تنظیم شد و شورای امنیت الزام‌آور بودن آن را اعلام کرد.

۴-۶-۲. اوپاما و اتاق‌های فکر

اتاق‌های فکر بر تصمیمات روسای جمهور ایالات متحده تأثیر بسزایی دارد. در دوران اوپاما با توجه به شخصیت او از نظرات اتاق‌های فکر در سیاست خارجی استفاده شده است که مهم‌ترین آن‌ها بنیاد دفاع از دموکراسی^۱، بروکینگز^۲، بنیاد کارنگی^۳ و شورای روابط خارجی^۴ است.

-
1. Foundation for Defense of Democracies
 2. Brookings Institution
 3. Carnegie Endowment for International Peace
 4. Council on Foreign Relations

۴-۶-۲-۱. بنیاد دفاع از دموکراسی

با آغاز ریاست جمهوری باراک اوباما در ۲۰ ژانویه ۲۰۰۹ و انتخاب «تیم گینر»^۱ به عنوان وزیر دارایی، «استوارت لوی» دوباره در سمت خود ابقاء شد. «تیم گینر» در مراسم معارفه خود، وی را به عنوان سرمعمار تحریم‌های مالی-بانکی ایران معرفی کرد که براساس سیاست‌های اجرایی باراک اوباما، نقش رهبری را در جهت‌گیری تحریم‌ها برعهده دارد. استوارت لوی همچنین یکی از هواداران اسرائیل در آمریکا است. وی از طراحان، مجریان، قانون‌گذاران یا ناظرانی هستند که تابعیت اسرائیل را ندارند؛ ولی به صورت غیرمستقیم منافع آن را تأمین می‌کنند. به گونه‌ای که واکنش‌های لابی‌های اسرائیل به انتصاب دوباره استوارت لوی در دولت باراک اوباما به حدی بود که دیوید هریس مدیر اجرایی کمیته یهودیان آمریکا و اتاق فکر «بنیاد دفاع از دموکراسی» از آن به عنوان دستاورد بزرگی برای جامعه یهودیان نام بردند (امام‌جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۰۷-۱۰۸).

بیشتر جهت‌گیری‌های این اتاق فکر حاکی است که خواهان تحریم و فشار بیشتر بر ایران برای تغییر رفتار بر مبنای خواسته‌های آمریکا می‌باشد. در سال‌های ابتدایی ریاست جمهوری اوباما این اتاق فکر بیشترین تأثیر را داشت که باعث افزایش تحریم‌ها ضد ایران در آن سال‌ها شد.

۴-۶-۲-۲. بروکینگز

واقع‌گرایان لیبرال که در مرکز حزب دموکرات قرار دارند، طرفدار رویکردی انعطاف‌پذیر و عمل‌گرا در روابط بین‌الملل بوده و با اجبار در ترویج مدل دموکراسی، حتی در رژیم‌های غیردوست مخالف هستند. مهم‌ترین آنان باراک اوباما بوده و از جمله مخازن واقع‌گرایان لیبرال، موسسه بروکینگز است (Tarelin, 2012).

سوزان مالونی^۲ تحلیل‌گر اندیشکده بروکینگز، جمع‌بندی نشست اکتبر سال ۲۰۰۹ موسسه بروکینگز را اینگونه تشریح می‌کند که تحریم‌های ۳۰ ساله آمریکا از این جهت که ایران را از توسعه برنامه هسته‌ای خویش منصرف کند، تاکنون شکست خورده است (Maloney, 2010, p.2). این تحلیل‌گر اندیشکده بروکینگز همزمان با پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری ایران در مقاله‌ای با عنوان «ایران و هنر آن در مذاکرات هسته‌ای» با اشاره به مذاکرات هسته‌ای ایران با نمایندگان کشورهای عضو گروه ۵+۱ و ابراز خوش‌بینی درباره چشم‌انداز این مذاکرات می‌افزاید:

1. Tim Gainer

2. Suzanne Maloney

مقامات آمریکایی با مقامات اروپایی، روسی و چینی در حال برداشتن گام‌های لازم برای شرکت در دور جدید مذاکرات پیش‌روی هسته‌ای با ایران هستند. اکنون «حسن روحانی» که در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شده، وعده داده است که مشی «معتدلی» را در عرصه سیاست خارجی در پیش خواهد گرفت و کشورهای غربی برخلاف گذشته، اختلافات میان خود درباره مذاکرات هسته‌ای را کنار گذاشته‌اند.

این تحلیل‌گر اندیشکده بروکینگز در ادامه به تشویق دولت اواما از سوی تحلیل‌گران غربی برای استفاده از فرصت ایجاد شده برای تعامل با ایران اشاره می‌کند و می‌گوید: بیشتر رسانه‌های غربی و صاحب‌نظران و تحلیل‌گران سیاسی و بسیاری از مقامات پیشین دولت آمریکا به اواما توصیه کرده‌اند که از فرصت ایجاد شده پس از برگزاری انتخابات در ایران برای تعامل با آن کشور استفاده کند. آنان همچنین توصیه کرده‌اند که دولت اواما رویکرد خود درباره برنامه هسته‌ای ایران را تغییر دهد و راه‌های موثری برای رفع تحریم‌های وضع شده علیه ایران را در مقابل آن کشور قرار دهد. این تحلیل‌گران توصیه می‌کنند که دولت آمریکا باید مشی انعطاف‌پذیری در مقابل ایرانیان اتخاذ کند تا حداقل کشورهای غربی در مذاکرات چندجانبه بتوانند با ایران به توافق برسند.

نویسنده با اشاره به کارشکنی‌های کنگره آمریکا و رژیم صهیونیستی در مسیر تعامل مستقیم با جمهوری اسلامی ایران می‌افزاید: من می‌دانم که دولت اواما می‌خواهد سلاح را در مقابل ایران بر زمین بگذارد، اما در این میان رژیم صهیونیستی و نمایندگان کنگره آمریکا مانع این کار می‌شوند. دولت اواما نمی‌خواهد همچون دولت‌های قبلی آمریکا گام‌های غلطی درباره برنامه هسته‌ای ایران بردارد. این گروه درصددند، با سمپاشی‌هایی این‌طور القاء کنند که دیپلماسی با جمهوری اسلامی ایران بی‌نتیجه خواهد بود. تحلیل‌گر اندیشکده بروکینگز معتقد است که دولت اواما باید با کاهش تحریم‌ها به پیشرفت مذاکرات هسته‌ای کمک کند. دولت جدید ایران نیز وعده داده که در زمینه برنامه هسته‌ای شفافیت بیشتری نشان خواهد داد. بله، مذاکره با ایران ریسک خاص خود را هم دارد. با این حال انعطاف‌پذیری از سوی جامعه بین‌المللی در مقابل ایران در مذاکرات هسته‌ای گریزناپذیر است (شبکه خبر، ۱۳۹۲).

مؤسسه بروکینگز معتقد است چنانچه دولتمردان این کشور خواستار تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران باشند، با مذاکره و کاهش تحریم‌ها بهتر می‌توانند به این خواسته برسند و اواما با تأثیر از این اتاق فکر در پایان دوره ریاست جمهوری‌اش به سمت مذاکره با ایران و انعقاد تفاهم‌نامه موسوم سوق پیدا کرد.

۴-۶-۲-۳. بنیاد کارنگی

با توجه به تمرکز بنیاد کارنگی بر ایران خصوصاً روند پرورنده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، این بنیاد قائل به محدودسازی قدرت راهبردی ایران با تصاعد دیپلماسی فشار است. پژوهشگران بنیاد کارنگی معتقدند محدودسازی قدرت راهبردی ایران ضروریست (پوستینچی و متقی، ۱۳۹۳، صص ۷۸-۷۹). بنیاد کارنگی خواستار پذیرش ایران به عنوان یک قدرت هسته‌ای در کنار بازدارندگی و مهار آن است. این بنیاد ایجاد هماهنگی با اروپا برای متقاعد کردن ایران به موافقت با انجام بازرسی‌های بین‌المللی بیشتر، و محدود ساختن برنامه‌های موشکی بالستیک و دخالت‌های نظامی‌اش در منطقه را توصیه می‌کند. بنیاد کارنگی معتقد به حفظ توافق هسته‌ای با ایران توسط آمریکا است. پژوهشگران این بنیاد ضمن مخالفت با خروج آمریکا از برجام هشدار می‌دهند که بدون دیپلماسی، انزوایی خطرناک در انتظار آمریکاست.

۴-۶-۲-۴. شورای روابط خارجی

نگرش ریچارد هاس ریاست شورای روابط خارجی آمریکا در ارتباط با ایران نسبتاً متعادل است. هاس مخالف بهره‌گیری از اقدامات نظامی علیه ایران است (Johnson, 2004, p. 23). هاس در توصیه‌هایش به اوباما پس از پیروزی در انتخابات در رابطه با ایران یادآور می‌شود که دولت اوباما برای تغییر رفتار ایران، به‌ویژه در مورد مسائل هسته‌ای، باید به‌طور مستقیم با این کشور مذاکره کند؛ زیرا گزینه‌های دیگر امیدوارکننده نیستند. مجازات و تحریم‌ها در تغییر این رفتار ناتوان بوده‌اند. اقدام نظامی پیشگیرانه می‌تواند حداکثر چند سال برنامه‌های هسته‌ای ایران را دچار وقفه سازد، ولی اسرائیل و نیروهای آمریکا در عراق و افغانستان را در معرض اقدامات تلافی‌جویانه قرار می‌دهد. چشم‌انداز روشنی نیز در براندازی حکومت ایران وجود ندارد، چه از طریق اقدام نظامی و چه به وسیله حمایت از قیامی داخلی. ضمانتی برای بهتر شدن اوضاع با توسل به مذاکره با ایران وجود ندارد، ولی تلاش صادقانه‌ای که با شکست مواجه شده باشد، راه را برای برگزیدن اقدامات سخت‌گیرانه‌تر، از منظر افکار عمومی آمریکا و جامعه بین‌المللی هموارتر خواهد ساخت. هرگونه اقدامی در برابر ایران بسیار پیچیده خواهد بود؛ زیرا جوانب بسیار زیادی وجود دارند که باید به آنها توجه کرد. هزینه‌های هر اقدامی با توجه به ماهیت تصمیم‌گیری‌های غیرعادی تهران و تمایل حکومت به گسترش منافع ملی و انقلاب اسلامی آن می‌تواند افزایش یابد. بنابراین، دولت اوباما باید راهی پیدا کند که توسط آن به دولت ایران نشان دهد به منافع مشروعش احترام می‌گذارد، ولی با ماجراجویی‌های ناشی از تفکر انقلاب اسلامی مقابله خواهد کرد. نتیجه سیاست مذاکره مستقیم

بین ایران و آمریکا باید به وارد کردن ایران در نظم جدید منطقه‌ای و تشویق آن به همکاری مسئولانه با همسایگان و توسعه نفوذش با توسل به ابزار صلح‌جویانه نه از طریق مقابله، تخریب و گسترش قدرت هسته‌ای منجر شود (هاس، ۱۳۸۷، ص ۱۰). در مجموع شورای روابط خارجی آمریکا، استفاده از روش‌های دیپلماتیک و پرهیز از رویکرد بازدارندگی تهاجمی را به اوباما توصیه می‌کند و خواستار بهره‌گیری از روش‌های مسالمت‌آمیز برای تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران است.

۴-۷. ارزیابی

بنیاد دفاع از دموکراسی اتاق‌های فکر خواهان تغییر رژیم جمهوری اسلامی ایران است. این موسسه از بارزترین مخالفان مذاکره با جمهوری اسلامی ایران بوده و معتقد است فشار و تحریم بیشتر منتج به تغییر رژیم در ایران خواهد شد. تحریم‌ها و فشارهایی که در دوران اوباما وجود داشت، متأثر از بنیاد دفاع از دموکراسی بود. این موضوع ناشی از ورود متخصصان این اتاق فکر به عنوان معماران تحریم‌های اقتصادی علیه ایران در دولت اوباما بود.

اتاق فکری که خواهان مذاکره و سازش با جمهوری اسلامی ایران هستند، برخلاف دسته دیگر معتقد بودند با فشار و تحریم نمی‌توان ایران را مهار کرد و از قدرت هسته‌ای و کنش‌ها و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران جلوگیری نمود. موسسات بروکینگز شورای روابط خارجی و بنیاد کارنگی با تأثیر بر تصمیم‌گیری اوباما، باعث مذاکره با ایران و سرانجام تفاهم‌نامه برجام بین جمهوری اسلامی ایران و گروه موسوم به ۵+۱ شدند. اعتقاد آنان بر این است با مذاکره و دخالت ایران در مناسبات منطقه‌ای می‌توان موجبات مهار و بازدارندگی ایران را فراهم آورد.

۵. نتیجه‌گیری

سیاست خارجی آمریکا از عوامل رسمی و غیررسمی تأثیر می‌پذیرد. اتاق‌های فکر به عنوان عامل غیررسمی نقش بسزایی در تصمیم‌گیری‌های دستگاه سیاست خارجی آمریکا دارد. در دوران ریاست جمهوری اوباما سیاست خارجی او در قبال برنامه هسته‌ای ایران شامل دو دوره می‌شود: دوره اول اجماع‌سازی در جهت تحریم حداکثری است، در این دوره سعی می‌شود با وضع تحریم‌های اقتصادی از طریق شورای امنیت سازمان ملل، ایران را از دستیابی به برنامه هسته‌ای باز دارند. بنیاد دفاع از دموکراسی، از نظریه‌پردازان پیشبرد این هدف بود و با حضور متخصصان خود در دولت، بسیار بر این اتفاق تأثیرگذار بود. دوره دوم مذاکره و مصالحه با ایران بود. تغییر دولت در ایران باعث تقویت آن شد، تا از این طریق بتوانند با مشوق‌هایی ایران را از دستیابی به غنی‌سازی بیشتر اورانیوم بازداشته و آن را از برخی دستاوردهای هسته‌ای منصرف کنند. در این زمان با توجه به

حضور متخصصان اتاق‌های فکر بروکینگز، بنیاد کارنگی و شورای روابط خارجی در شاکله دولت و ارائه راهکار به اوباما نقش فعالی داشتند. این موسسات اوباما را به مذاکره با ایران تشویق می‌کردند که سرانجام منجر به توافقی موسوم به برجام شد. این موافقتنامه بین ایران و کشورهای موسوم به ۵+۱ که آمریکا پیشرو آن بود، به امضاء رسید. با توجه به اینکه در آمریکا اتاق فکر به عنوان یک سازمان غیررسمی بر روی تصمیمات این کشور تأثیر می‌گذارد، می‌توان از نظریه تصمیم‌گیری و به خصوص مدل سازمانی این تغییر سیاست‌های اوباما در قبال برنامه هسته‌ای ایران را تبیین کرد.

منابع

- آقاجانی، احمد؛ عسگری، محمود (۱۳۹۰). نقش آفرینی اتاق‌های فکر در سیاست‌گذاری دفاعی - امنیتی. راهبرد دفاعی، ۹(۳۲).
- امام‌جمعه‌زاده، سید جواد؛ بابایی، مجتبی (۱۳۹۴). نقش اتاق‌های فکر در اعمال تحریم‌های هسته‌ای آمریکا علیه ایران. *مطالعات روابط بین‌الملل*، ۸(۳۲)، ص ۹۱-۱۱۴.
- امجد، محمد (۱۳۹۴). *سیاست و حکومت در ایالات متحده*. تهران: سمت، چاپ دهم.
- پورحسن، حسن؛ قنبری، لقمان؛ رضایی، زهرا (۱۳۹۷). بازشناخت راهبرد قدرت هوشمند دولت اوپاما علیه جمهوری اسلامی ایران. *مجلس و راهبرد*، ۲۵(۹۵)، ص ۳۴۱-۳۶۸.
- پوستینچی، زهره؛ منقی، ابراهیم (۱۳۹۳). *ایران در نگرش اطاق‌های فکر آمریکایی*. تهران: نشر میزان.
- حسینی‌متین، سید مهدی (۱۳۹۱). *رویارویی آمریکا با ایران پس از جنگ سرد*. تهران: ابرار معاصر.
- خلیلی، رضا (۱۳۹۵). پیامد منطقه‌ای و بین‌المللی برجام؛ رویکردی استراتژیک. *مطالعات راهبردی*، ۱۹(۲)، ص ۱۳۱-۱۵۸.
- رستمی، فرزاد؛ نادری، مسعود (۱۳۹۵). برجام، پرونده اتمی و بست‌های امنیتی‌سازی و غیرامنیتی‌سازی. *تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، شماره ۲۷، ص ۱۸۷-۲۱۸.
- سازمند، بهاره (۱۳۹۰). *سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ*. تهران: ابرار معاصر.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۵). *مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی*. تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات.
- صالحی، علیرضا (۱۳۹۲). *نگاهی به ساختار و فرایند تصمیم‌سازی در نظام سیاسی آمریکا*. تهران: ابرار معاصر.
- طباطبایی، سیدمحمد؛ منتظری، حمیدرضا (۱۳۹۷). مقایسه سیاست خارجی بوش و اوپاما در قبال پرونده هسته‌ای ایران. *پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۷(۱)، ص ۸۵-۱۱۲.
- عبداله، عبدالمطلب؛ اسماعیلی، مصطفی (۱۳۹۲). راهبرد سیاست خارجی آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ایران: تداوم یا تغییر؟! *مطالعه موردی سیاست خارجی باراک اوپاما و مسئله هسته‌ای ایران*. *پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی ایران*، ۲(۷)، ص ۱۰۳-۱۲۳.
- لب‌خنده، ابراهیم؛ کریمی‌فرد، حسین (۱۳۹۵). کارکرد مؤسسات مطالعاتی در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران. *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۶(۱).
- ماه‌پیشانیان، مهسا (۱۳۹۰). *قدرت داخلی، بنیان قدرت خارجی: بررسی سند استراتژی امنیت ملی ایالات متحده در دوره اوپاما*. در: کتاب آمریکا (۱۰): ویژه استراتژی امنیت ملی آمریکا پس از جنگ سرد. تهران: ابرار معاصر.
- موسوی، سید محمدعلی؛ کدخدایی، الهام؛ فاطمه، شفیعی سروستانی (۱۳۹۰). مدل‌سازی روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا. *روابط خارجی*، ۳(۲)، ص ۳۸-۷.
- نصیحت‌اندیش‌کده آمریکایی بروکینگز به اوپاما درباره ایران. شبکه خبر، ۲۸ تیر ۱۳۹۲. قابل دسترس در: <https://www.irinn.ir/fa/news/22317/>
- هاس، ریچارد (۱۳۸۷). *خاورمیانه کلید تغییرات اوپاما*. *زمانه*، شماره ۷۸.

- Abelson, D. (2006). *A Capital Idea: Think Tanks and US Foreign Policy*. McGill-Queen's University Press Publishing.
- Chance, A. (2016). *Think Tanks in the United States Activities, Agendas, and Influence*. Available at: <http://chinaus-icas.org/wp-content/uploads/2016/05/ICAS-Report-2016-Think-Tanksin-the-US.pdf>
- Johnson, Ch. (2004). *The Sorrows of Empire*. New York: Metropolitan Books.
- Keskin, T. & Halpern, P.R. (2005). Behind Closed Doors Elite Politics, Think Tanks, and U.S. Foreign Policy. *Insight Turkey*, 7(2), p.99-114.
- Maloney, S. (2010). *The economics of influencing Iran*. The Saban Center for Middle East Policy at the Brookings Institution.
- Tarelin, A. (2012). Political and academic community in the USA: genesis. *Vestnik MGIMO-Universiteta*, No.1, p.90-7.